

نقش امامزادگان در گسترش

مکتب تشیع

(مطالعه موردی امامزاده عباس بن موسی

کاظم شهرستان بابل)



دکتر عبدالرفیع رحیمی* / علی غلامی فیروزجانی**

چکیده

دین اسلام تا پایان قرن اول هجری در بیش تر مناطق ایران گسترش یافت؛ اما بخش های شمالی آن زیر نفوذ حاکمان محلی (آل قارن و پادوسبانیان) قرار داشت و از آنجا که این مناطق دارای کوه های بلند، جنگل های انبوه، رود های خروشان و راه هایی نفوذ ناپذیر بود، مردم آن دیار تا مدت ها در مقابل مسلمانان مقاومت کردند اما سرانجام اسلام به دست داعیان شیعی، در آن سامان نفوذ یافت. به دنبال شکست های قیام های علوی و شیعی در زمان اموی - عباسی، آنان به دژهای طبیعی و استوار طبرستان پناه آوردند تا از تعقیب و آزار دشمنان خود در امان مانند. از جمله مهاجرت ها به طبرستان، حرکت حضرت عباس بن موسی کاظم (ع) بود که در جنگ و گریز توانست خود را به مازندران برساند؛ هرچند به دست دشمنان به شهادت رسید. ایشان در روستای امامزاده عباس بندپی شرقی شهرستان بابل از استان مازندران مدفون است که مردم روستاها و شهرهای اطراف از منبع فیض آن بهره می برند و به این شجره طوبه متوسل می شوند. وجود این امامزاده موجب اتحاد و

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین.

** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین.

همبستگی مردمان منطقه شده و زایران، شیعیان و گردشگران بسیاری جهت انجام مراسم مختلف چون اعیاد، عزاداری، سوگواری ماه محرم (تاسوعا و عاشورا)، ماه رمضان و همچنین گردش و گردشگری به این مکان متبرکه رجوع می نمایند. در این مقاله سعی شده است با مراجعه به منابع دست اول و همچنین روش میدانی و تحلیلی- توصیفی به اهمیت نقش این امامزاده در گسترش تشیع پرداخته شود. کلید واژه‌ها: امامزاده عباس بن موسی کاظم (ع)، تشیع، طبرستان، بابل.

مقدمه

جهان تشیع و امامان آن به عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر در مکتب شکوهمند اسلام، نیازمند شناخت عالمانه است تا بتوان در جهت ارتقا و انتشار معارف و عقاید حق آن گام‌های مؤثری برداشت. برای رسیدن به این مهم، شناخت، تجزیه و تحلیل، بررسی و بازشناسی جوامع مذهبی و دینی شکل گرفته در مناطق جغرافیایی گوناگون به همراه نقش امامان یا امامزادگان آن جامعه در رشد تشیع و همچنین گسترش و جذب گردشگردینی از پیش نیازهای ضروری تاریخ است. طبرستان به جهت دارا بودن شرایط مناسب جغرافیایی و همچنین علاقه زیاد ساکنان آن به علویان و خاندان رسول خدا، شیعیان و امامزادگان زیادی را در خود جای داده است که از جمله این امامزادگان، امامزاده عباس بن موسی کاظم (ع) است که یکی از پرآوازه‌ترین امامزاده‌های شمال کشور بوده و مرقد مطهر آن در شهرستان بابل، بخش بندپی شرقی واقع است. با توجه به صاحب کرامات بودن آن بزرگوار، مراسم مختلف مذهبی و دینی در آن جا برگزار می شود و همچنین به علت داشتن شرایط جغرافیایی مناسب، چشمه آب گرم در نزدیک آن، همجواری با روستاهای سرسبز و زیبایی چون ارکاء، رستمکلا، تشون و شاهزاده رضا، از مناطق گردشگری محسوب می شود. در این پژوهش در پی آن هستیم تا به مراسم دینی و مذهبی در این امامزاده و چگونگی تأثیر آن بر رشد تشیع و پیوند با گردشگری بپردازیم و به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

۱- حضور امامزاده عباس چه تأثیری بر گسترش تشیع و فرهنگ دینی در منطقه دارد؟

۲- حضور امامزاده عباس چه تأثیری بر جذب گردشگر در منطقه دارد؟

جغرافیای تاریخی طبرستان

طبرستان، سرزمینی است با کوه‌های بسیار^۱ رودخانه‌های پرآب (حمیری، ۱۹۸۴: ۳۸۳؛ یعقوبی، ۱۴۲۲: ۹۱؛ اسحاق بن الحسین، ۱۴۰۸: ۶۹) که از شمال به دریای خزر، از جنوب به سلسله جبال البرز، از شرق به جرجان، و از غرب به گیلان محدود است (قدیانی، ۱۳۸۷: ۲/۵۶۷). این سرزمین در منابع، به زبان پهلوی تپورستان و به یونانی تیپروی^۲ و تپوی روی^۳ آمده است و نویسندگان چینی نیز در آثار خود آن را Tho -pa -ssetan یا - Tho pa -sa -tan نوشته‌اند. (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۳) و نام فارسی آن مازندران، نشاور و رویان بود. (مرعشی، ۱۳۴۵: ۷؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۷۳؛ انصاری دمشقی، ۱۳۸۲: ۳۵۱) آمده است که پادشاهی، زندانیانی به مازندران فرستاد که آنجا نیز درخت‌های انبوه و راه‌های صعب‌العبوری داشت؛ زندانیان برای پاکسازی، تیشه لازم داشتند و پادشاه نیز تیشه و تبر بسیار به آنجا فرستاد لهذا آن ولایت را «طبرستان» گفتند. (قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۷۴-۴۷۳؛ همدانی، ۱۳۴۹: ۱۴۶) ولی تحقیق این است که طپورستان و طبرستان به معنی سرزمین طپورها است چرا که ساکنان پیشین مازندران تپوری‌ها یا تپیری‌ها بوده‌اند (مرعشی، ۱۳۴۵: ۹). طبرستان را با پشت‌خوارگر که جزء قلمرو اردوان پنجم اشکانی بود کمابیش منطبق شمرده‌اند (قدیانی، ۱۳۸۷: ۲/۵۶۷). تا قبل از ورود اسلام، پادشاه این سرزمین «سپهبد» نامیده می‌شد (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۹۱) و شهر مرکزی طبرستان، آمل (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۵۲۷؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۸-۷) که جایگاه والیان و بزرگ‌ترین شهر طبرستان و بعد از آن نیز ممطیر (مامطیر- بارفروش- بابل) بود (همدانی، ۱۳۴۹: ۱۴۷). دیگر شهرهای آن را می‌توان ناتل، کلار، رویان، ساریه، چالوس (سالوس)، تمیشه نام برد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۵۱۹؛ ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲/۳۷۶؛ انصاری دمشقی، ۱۳۸۲: ۳۵۱؛ حموی، ۱۹۹۵: ۴/۱۳).

در تواریخ از سلسله‌های چندی نام برده شده است که مقارن فتوحات اسلام در طبرستان یا قسمت‌هایی از آن حکومت داشتند (پادوسبانون و آل باوند)، یا مرکز امارت

۱. کوه طبرستان را جبال قارن نیز می‌خواندند. (رک: حافظ ابزو: ۱۳۷۵: ۱/۱۹۲).

۲. Tapyroi.

۳. Tapo yroi.

آن‌ها جای دیگر بوده و گاه استیلای خود را بر قسمتی از طبرستان بسط داده بودند (مانند بعضی از امرای سلسله بنی دابویه). عناوین این سلسله‌ها یا فرمانروایان آن‌ها (مانند پاژگوسپان و اصفهبد) یا سلسله نسب آن‌ها حاکی از این است که به ساسانیان انتساب داشته‌اند و یا از خاندان‌هایی بوده‌اند که در عهد ساسانی منصب اسپهبدی یا پاژگوسپانی داشته‌اند (قدیانی، ۱۳۸۷: ۲/ ۵۶۷).

فتح طبرستان و ورود اسلام توسط اعراب

اسلام در اوایل قرن دوم هجری جایگزین دین مزدیسنا و آتش پرستی در طبرستان شد. در این عصر حکام عرب که از طرف خلیفه در آنجا فرمانروایی می‌کردند، همه سنی مذهب بودند. چندی نگذشت که داعیان علوی بر قسمتی از مازندران تسلط یافتند و به اشاعه مذهب تشیع و به خصوص تبلیغ عقاید مذهب زیدیه پرداختند. ولی اسپهبدان طبرستان و رستم‌دار برای تقلیل نفوذ داعیان شیعه، رعایای خود را به قبول آیین تسنن وامی داشتند. بعد از مدتی دراز، دین مزدیسنا به کلی از میان رفت و مذهب تشیع در زمان حکومت سادات مرعشی (۷۶۰ ه. ق.) مذهب رسمی مازندران (طبرستان) شد. (مرعشی، ۱۳۴۵: ۲۰)

اما چگونگی فتح طبرستان توسط اعراب را این گونه آورده‌اند: در دوران خلافت عمر، نعمان بن مقرن برادر خود سوید را به اتفاق هند بن عمر جملی و دیگران سوی قومس (گمش) روانه کرد و آن بلاد را با مسالمت گشود و سوید از همانجا قصد جرجان (گرگان) نمود، اما با پادشاه جرجان که زرنان صول بود، نیز صلح کرد. سپهبد طبرستان هم به سوید، نامه نوشت و درخواست صلح نمود که هر دو در حال مسالمت باشند و سوید پذیرفت و عهد نامه هم برای او نوشت. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۹/ ۳۶-۳۵) سواد بن قطبه تمیمی و هند بن عمرو مرادی و سماک بن مخرمه اسدی و سماک بن عبید اسدی و عتیبه بن نهاس بکری شاهد این صلح بودند که به سال هجدهم نوشته شد (طبری، ۱۳۸۷: ۴/ ۱۵۳؛ حمیری کلاعی، بی تا: ۲/ ۵۸۰؛ مسکویه، ۱۳۷۶: ۱/ ۳۶۱)

به گزارش مورخان، سعید بن عاص که امارت کوفه را داشت (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۵) نیز در سال ۳۰ ه. ق. در زمان خلافت عثمان، طبرستان، رویان و دماوند را محاصره کرد، به مردمان آنجا امان داد و آن را با صلح فتح کرد (ابن خیاط، ۱۴۱۵: ۹۶). مردمان آنجا نیز مالی به وی دادند. مسلمانان همواره با طبرستان و نواحی آن به جنگ اشتغال داشتند؛

گاهی به طیب خاطر خراج ادا می‌کردند و گاهی پس از جنگیدن به این کار تن در می‌دادند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۲/ ۴۶۹)

ورود نخستین سادات به طبرستان

نخستین علوی که وارد طبرستان شد، یحیی بن عبد الله برادر محمد و ابراهیم پسران عبد الله بن حسن (عبد الله محض)^۱ بود که در دامان امام جعفر صادق (ع) تربیت یافت. وقتی ماجرای فسخ در سال ۱۶۹ به پایان رسید، یحیی بن عبد الله حسنی که مجروح شده بود، مدتی مخفیانه به سر می‌برد و در شهرها و بیابان‌ها سرگردان بود و پی‌گوشه‌ای می‌گشت که به آنجا پناه ببرد. سرانجام وارد طبرستان شد و گروهی نیز با او بیعت کردند اما وی سرانجام با فضل بن یحیی بن خالد برمکی از مشاوران و والیان هارون الرشید صلح کرد و به بغداد بازگشت اما در بغداد توسط حکومت عباسی به شهادت رسید (اصفهانی، ۱۳۳۹: ۲/ ۱۹۲-۱۹۴؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۳/ ۱۳۶).

مهاجرت سادات به طبرستان در آستانه ورود امام رضا (ع) به خراسان

یکی از دلایل عمده نفوذ تشیع در طبرستان، ورود سادات علوی به این منطقه بوده است. دلایل ورود سادات به طبرستان عبارت است از:

۱- امن بودن مناطق طبرستان؛ این سرزمین دور از دسترس حکومت‌هایی بود که مرکز آن‌ها در شام و یا عراق قرار داشت. فشارهای عباسیان و پیش از آن‌ها امویان، سبب شد که آن‌ها بدین مناطق مهاجرت کنند.

۲- مرفه بودن شهرهای آن؛

۳- محبوب بودن آنها نزد مردم این سامان، چه آن‌ها فرزندان رسول خدا بودند. این مهاجرت‌ها بیش‌تر از قرن دوم به بعد بوده است، به ویژه با آمدن امام رضا (ع) به ایران. تسامح مأمون عباسی در مقابل سخت‌گیری پدرش هارون الرشید نسبت به سادات، در رشد و گسترش علویان تأثیر به‌سزایی داشت. او گرچه با قیام‌های آن‌ها به شدت برخورد کرد اما به علت اعتقادی که به برتری علی (ع) بر سایر خلفا داشت، نسبت به علویان نیز

۱. عبد الله محض، شیخ بنی هاشم که او را محض (خالص) می‌گفتند. (ر.ک: کاشفی سبزواری: ۱۳۸۲: ۵۰۰).

احترام زیادی قائل بود ولی با این همه، سیاست او در اواخر نسبت به این افراد که در هر حال حکومت عباسیان را تهدید می‌کردند، کاملاً عوض شد (حرّ، ۱۳۸۳: ۱۴۳). مرعشی درباره آمدن سادات به ایران می‌نویسد: «سادات از آوازه ولایت و عهدنامه مأمون که بر حضرت امام پناهی داده بود، روی بدین طرف نهادند و او را بیست و یک برادر و بنواعم از سادات حسینی و حسنی، به ولایت ری و عراق رسیدند.» (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲۷). پس از اقدام مأمون در به شهادت رساندن حضرت امام رضا(ع)، سادات به دیلمستان و طبرستان پناه بردند. مرعشی در این زمینه می‌نویسد: «... چون سادات خبر غدر مأمون را که با حضرت رضا(ع) کرد بشنیدند، پناه به کوهستان دیلمستان و طبرستان بردند و بعضی بدانجا شهید گشتند و مزار و مرقد ایشان مشهور و معروفست و بعضی در همانجا توطن نمودند و اولاد و اتباع ایشان باقی است و چون اصفهبدان مازندران در اوایل که اسلام قبول کردند، شیعه بودند و با اولاد رسول خدا حُسن اعتقاد داشتند؛ سادات را در این ملک مُقام آسان تر بود.» (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲۷). این مزارهای متبرک در ایران، نمودی از آرمان‌های راستین تشیع بود و در حقیقت پشتوانه عظیمی برای معیارها و ارزش‌های والای مکتب تشیع محسوب می‌شد، افزون بر اینکه محلی برای زیارت مشتاقان خاندان اهل بیت بود، مدرسه بزرگی نیز برای زایران تلقی می‌گردید که از معرفت امامزادگان و فضایل اخلاقی آن بزرگواران بهره‌مند گردند و از سویی به مظلومیت و حقانیت آنان پی برند که این خود در گسترش مذهب شیعه نیز مؤثر بود. به بیان دیگر، این آرامگاه‌ها هر کدام به کانونی برای گسترش فرهنگ تشیع تبدیل گشت (حرّ، ۱۳۸۳: ۱۴۵).

زندگی نامه امامزاده عباس بن موسی کاظم(ع)

امام موسی کاظم(ع) سی و هفت فرزند داشت؛ امام رضا(ع)، عباس، ابراهیم و قاسم از جمله فرزندان این امام و از یک مادر هستند که مادرشان ام ولد (کنیز) بود (مجلسی، ۱۳۶۳: ۴۸ / ۳۰۳ - ۲۸۳؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۲۴۴؛ فخر رازی، ۱۴۱۹: ۹۰؛ ابن صوفی، ۱۴۰۹: ۱۰۷؛ ابن حزم اندلسی، ۱۴۱۸: ۶۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴ / ۳۲۴؛ طبرسی، ۱۴۲۲: ۹۶؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۲ / ۳۶؛ اسکافی، ۱۴۲۲: ۷۶؛ شامی، ۱۴۲۰: ۷۳؛ عماد طبری، ۱۳۷۹: ۲ / ۷۳۳؛ ذهبی، ۱۴۰۹: ۱۴ / ۲۷۰). شیخ طوسی در رجال خود او را از اصحاب پدر بزرگوارش امام موسی کاظم(ع) برشمرده و قائل به وثاقتش شده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۵۳). اما مامقانی در تنقیح المقال می‌نویسد که «این مطلب را در دو نسخه معتمد در رجال شیخ نیافتم.» (مامقانی، ۱۳۴۱: ۲ / ۱۳۰؛ شوشتری، ۱۳۷۵: ۶ / ۴۲؛ قهپائی

اصفهانى، ۱۳۸۴: ۳/ ۲۵۳) عباس بن موسى (ع) از راویان حدیث است که از پدر گرانقدرش روایت لباس نمازگزار را نقل می‌کند و در کتاب‌های روایی به آن اشاره شده است (حرّ عاملی، بی تا: ۳/ ۲۶۷؛ محدث نوری، ۱۴۰۷: ۱/ ۱۴۷؛ برقی، ۱۳۲۷: ۲/ ۴۲؛ قرشی، ۱۴۱۳: ۲/ ۴۲۴) با این وصف، علمای رجال به سبب روایت ذیل او را ذم و قدح کرده‌اند.

برخی منابع نقل می‌کنند که عباس به سبب بدهکاری و مسائل مالی در ماجرای گشایش وصیت‌نامه پدرش نسبت به برادرش امام رضا (ع) نزد قاضی مدینه ابو عمران طلحی شکایت کرد و دچار لغزش و تعرض نسبت به امام رضا (ع) شد که نمایانگر کمی معرفت وی به امام (ع) است. با وجود این، حضرت رضا (ع) برادرش را نصیحت کرد و به او ابراز علاقه و احسان کرد. (کلینی، ۱۳۶۲: ۱/ ۳۱۷-۳۱۹؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۸: ۱/ ۳۴؛ معروف الحسنی، ۱۳۸۲: ۳/ ۳۵۰؛ عطاردی، بی تا: ۱/ ۱۴۰؛ شوشتری، ۱۳۷۵: ۶: ۴۰-۴۱؛ مجلسی: ۱۳۶۳: ۴۸/ ۲۸۰؛ نجفی، ۱۴۰۹: ۱/ ۳۵۸-۳۶۳؛ قمی، ۱۳۷۶: ۲/ ۱۵۶) تستری در قاموس الرجال پس از نقل روایت فوق می‌نویسد:

«و بعد هذا الخبر المشتمل على غاية القدح فيه، لابد أن يحمل قول المفيد في /رشاد، ولكل واحد من ولد أبي الحسن موسى، فضل و منقبة مشهورة، على الفضائل الدنيوية، وأمّا الدنيية فالرجال كان عاريا منها و متلبسا بكل الرذائل و المثالب منها». (شوشتری، ۱۳۷۵: ۶/ ۴۲)

بعد از این خبری که در بردارنده نهایت خرده‌گیری از اوست، به ناچار باید آن را بر گفتار شیخ مفید که می‌گوید: برای هر يك از فرزندان ابوالحسن موسى (ع) فضل و منقبتی است، به فضایل دنیوی حمل کنیم، زیرا عباس بن موسى (ع) در امور دینی و معنوی از آن تهی بوده و در بردارنده بدی‌ها و پستی‌هاست. مامقانی در تنقیح المقال نیز می‌گوید: «اگر چه شیخ طوسی او را توثیق نموده است اما با وجود روایت فوق، وثاقت او، محل نظر است، زیرا منازعه او با برادرش امام رضا (ع) و گفتار تند او با آن حضرت، وی را از وثاقت و عدالت خارج می‌کند، مگر اینکه ثابت شود او توبه کرده و امام نیز توبه او را پذیرفته باشند» (مامقانی، ۱۳۴۱: ۲/ ۱۳۰). اما در برخی منابع دیگر خبری نقل شده است که حاکی از وثاقت و عدالت عباس بن موسى (ع) است. گزارش شد «حمید بن عبد الحمید که فرماندار قصر بن هبیره از طرف حسن بن سهل سرخسی وزیر مأمون عباسی بود، عباس بن موسى (ع) را عامل خود در کوفه قرار داد و به او دستور داد تا برای برادرش امام رضا (ع) از مردم بیعت به عمل آورد و این در سال ۲۰۲ هـ. ق بوده است». (طبری، ۱۳۸۷:

۸/ ۵۵۹-۵۶۰؛ قرشی، ۱۳۸۰: ۲/ ۳۱۰؛ براقی، بی تا: ۲۳۴؛ حرزالدین، ۱۳۹۱: ۲/ ۱۸۹)

بنابراین معلوم می شود برخلاف نظر مامقانی و تستری هیچ ذمی متوجه عباس بن موسی (ع) نبوده و خبر کلینی در کافی و شیخ صدوق در عیون و دیگر مورخان درباره نزاع وی با امام رضا (ع) نیز در غایت ضعف است. از این رو باید گفت: عباس بن موسی کاظم (ع) ثقه بوده است و از اصحاب پدر و برادر گرانقدرش امام رضا (ع) به حساب می آید و حمله مامقانی و به خصوص تستری به او، تنها از روایت منقول کلینی و صدوق نشأت گرفته است. عباس، همچنان در ثقات اصحاب پدر و برادرش به شمار می آید. به هرحال، از تاریخ درگذشت یا شهادت عباس بن موسی (ع) در منابع تاریخی اطلاع دقیقی در دست نیست. تنها همین قدر می دانیم که وی تا قبل از سال ۲۰۳ هـ. ق. در قید حیات بوده است (شبستری، بی تا: ۱/ ۳۴۵؛ براقی، بی تا: ۲۳۴) و سید حسین حرّ می نویسد: «پس از اقدام مأمون در به شهادت رساندن امام رضا (ع) جمعی از برادران و علویان به فرماندهی یک سپاه سه هزار نفری از علویان و شیعیان آنان، به منظور خونخواهی امام و قیام علیه مأمون عباسی به جانب ایران سرازیر شدند. مأمون نیز نامه ای به اطراف فرستاد مبنی بر اینکه علویان را مورد آزار و ستم قرار دهند. بنابراین عده ای از آن ها به دستور مأمون شهید یا مسموم شدند» (حرّ، ۱۳۸۳: ۱۴۷) اما بنا به روایت شفاهی، احمد بن موسی (ع) معروف به شاهچراغ در بغداد مسکن داشت چون خبر شهادت برادرش امام رضا را شنید در سال ۲۰۳ هـ. ق. از بغداد به قصد خونخواهی و انتقام برادر بزرگوارش حضرت رضا (ع) خارج شد که ۳۰۰۰ نفر از غلامان، بستگان و دودمان، آن حضرت را همراهی می کردند که آن حضرت به همراهی آن بزرگواران از جمله عباس بن موسی به جانب توس روانه شدند. وقتی به نزدیکی شهر قم رسیدند، ارزق الابرج الشامی (از جانب مأمون حکمران و مأمور در قم بود) از لشکرکشی برادران امام رضا (ع) باخبر شد و در تدارک نیرو و لشکر برای جنگ با علویان از قم بیرون آمد. در طی زد و خورد، جمع کثیری از سادات هاشمی و فاطمی شهید شدند. احمد بن موسی بعد از جنگ و کارزار از قم حرکت کرد تا به شهرری نزدیک شد. در این هنگام جمعی از لشکریان آن حضرت، ایشان را ترك کردند و حتی با حضرت به جنگ و منازعه درآمدند؛ باز حضرت سفر خود را به سوی خراسان ادامه داد و از شهرری بیرون آمدند تا به نزدیکی خراسان رسیدند و در میان دو کوه موقتاً مسکن گزیدند و بعد از استراحت به دیگر نقاط خراسان حرکت کردند. مأمون بعد از آگاهی از ورود علویان و برادران امام رضا (ع) به خراسان، لشکری را برای

جنگ با آنان فرستاد. جنگ سختی شروع شد و بعد از کشته شدن افرادی از دو طرف، سادات و علویان مجبور به عقب نشینی می شوند و در کوه ها، دشت ها و جنگل ها پناه می گیرند و خود احمد بن موسی را نیز تا شهر شیراز تعقیب می کنند و به شهادت می رسانند و بعضی نیز در مازندران به ویژه در کوه ها و جنگل های بخش بندپی شهرستان بابل در منازل مردم مدتی زندگی می کنند که سرانجام توسط مأموران مخفی مأمون دستگیر می شوند و به شهادت می رسند. (به نقل از شیخ علی علمی تبار، امام جمعه قائمشهر)

چنان که از وصیت نامه امام موسی کاظم (ع) فهمیده می شود، عباس کوچک تر از امام رضا (ع) و ابراهیم و بزرگ تر از اسماعیل و احمد بوده است (روضاتی، ۱۳۳۵: ۷۰/۱). علمای انساب جملگی قایل به تداوم نسل عباس بن موسی هستند. (زین العابدین، ۱۴۲۲: ۸۴؛ قمی، ۱۳۷۹: ۳/۱۱۲؛ کیا گیلانی، ۱۴۰۹: ۳۷؛ ابن طقطقی، ۱۴۱۸: ۱۷۹) اما برخی او را معقب مکثر، و پاره ای دیگر وی را معقب قلیل دانسته اند. (ابن عنبه، ۱۴۱۷: ۲۱۰؛ عبیدلی، ۱۴۱۳: ۴۶۷؛ ابن صوفی، ۱۴۰۹: ۳۰۹) به هر حال، عباس بن موسی (ع) با فاطمه دختر محمد الدیباج بن امام جعفر صادق (ع) ازدواج کرد و از او، صاحب یک فرزند به نام موسی شد. همچنین قاسم، فرزند دیگر او، از کنیزی به نام «علم» به دنیا آمد (الفخر الرازی، ۱۴۱۹: ۱۰۲؛ المروزی الأزرقانی، ۱۴۰۹: ۱۵؛ بخاری، ۱۳۸۱: ۴۲). محمد کاظم یمانی متوفی قرن نهم هجری، در *النفحة العنبرية* تعداد فرزندان عباس را هشت تن می داند. از این رو، وی فضل اکبر، فضل اصغر، محمد، علی، جعفر و احمد را بر تعداد فرزندان او افزوده است و می نویسد که آن ها بلاعقب بوده اند (یمانی موسوی، ۱۴۱۹: ۸۸). ابوالحسن عمری (ابن صوفی) از اعلام قرن پنجم هجری نیز در کتاب *المجدی فی انساب الطالبيين* می نویسد که عباس، صاحب چند پسر و دختر شده است که مؤید قول یمانی است؛ اما به جهت فقر منابع، هیچ اطلاعی از وضعیت و نام دختران او نیست. (ابن صوفی، ۱۰۴۹: ۱۰۷) علمای انساب تداوم نسل عباس بن موسی (ع) را تنها از فرزند او قاسم می دانند. او به سبب سکونت در یمن به قاسم یمانی شهرت داشت (فخر الرازی، ۱۴۱۹: ۱۰۲؛ المروزی الأزرقانی، ۱۴۰۹: ۱۵؛ عبیدلی، ۱۴۱۳: ۱۶۸)

جلوه هایی از کرامات حضرت امامزاده عباس بن موسی کاظم (ع)

آن حضرت از کرامات بسیار بالایی برخوردار است به طوری که هر ساله تعدادی از

دردمندان، افراد بیمار و لاعلاج را شفا داده است. کرامات و معجزات بسیاری از این امامزاده مشاهده شده است که در اینجا تنها به سه مورد از آن اشاره می‌شود.

۱- شفای بیماران صعب‌العلاج که بعد از بهبود، گاو و گوسفند قربانی کردند.

۲- زنانی که صاحب بچه نمی‌شدند به این امامزاده متوسل شده‌اند و صاحب فرزند شدند.

۳- حل مشکلات مالی نیازمندان که در چندین مورد گزارش شد (به نقل از شیخ علی علمی تبار، امام جمعه قائمشهر).

موقعیت جغرافیایی بقعه متبرکه

این بقعه متبرکه در فاصله ۲۷ کیلومتری شهرستان بابل، در روستایی که به همین نام (امامزاده عباس) معروف است قرار دارد و یکی از امامزادگان مورد توجه عام و خاص در منطقه شمال کشور است که هر ساله به‌ویژه در فصول تعطیلات نوروزی، ماه محرم و ماه رمضان هزاران مشتاق به حریم عصمت و ولایت را به سوی خود می‌کشاند. این آستانه، در موقعیت خاص جغرافیایی در میان دشت‌های سرسبز و هموار و درختان تنومند قرار دارد که با عبور از جاده شهید صالحی بابل به این امامزاده می‌رسند و با روستاهای سرسبز ارکاء، پوستکلا، رستمکلا، تشون و ناریوران نیز هم‌جوار است.

شرح فضای کلی آستانه

مرقد مطهر امامزاده عباس بن موسی کاظم (ع) مشتمل بر اتاق مستطیل شکلی است که در یک فضای باز طبیعی قرار دارد. در قاعده کلی هرم، قبر دقیقاً در وسط اتاق قرار نگرفته است و بیش‌تر مایل به سمت غرب است. این امامزاده شامل سقاخانه، مزار شهدا و قبرستان‌های قدیمی است. لازم به ذکر است از ابتدای شروع عملیات آستانه تاکنون در جهات مختلف اعم از راهسازی، تهیه و تأمین تجهیزات، تأمین آب و برق، حمایت و فعالیت‌هایی انجام شد که هنوز این فعالیت‌ها تکمیل نشده است.

پیشینه تاریخی روستای امامزاده عباس و خادمان آن

مرقد مطهر امامزاده عباس در مرکز روستا قرار دارد و نام اولیه این روستا نیز زادکلا بود. زمین امامزاده عباس را دو قرن پیش درویش علی اصغر با برادرش درویش بابا وقف کردند و

چون درویش علی اصغر بزرگ تراز درویش بابا بود، وی به عنوان نخستین کسی بود که تولیت امامزاده را بر عهده گرفت. متولیان دیگر امامزاده به ترتیب از نسل درویش علی اصغر بودند که درویش ولی، درویش مهدی، درویش علی اکبر، درویش عباس و درویش ابراهیم این مقام را در اختیار داشتند. (ابراهیم متولی، متولی کنونی امامزاده)

سیر تحولات معماری آستانه مبارکه امامزاده عباس

از بنای اولیه این بقعه، تا قبل از دو قرن پیش چندان اطلاعی در دست نیست. اما طبق نقل قول‌هایی که از خاندان متولی (خادمی) (که به یمن متولی شدن آن‌ها در امامزاده به این نام خانوادگی شهرت یافتند) به دست آمد و گفته‌های آن‌ها، ابتدا امامزاده به صورت قبر گلی و معمولی بود که روی آن را پارچه کشیده بودند و زیارت می‌کردند و بنای ثانوی آن به زبان محلی سوشیم (نور و شمع) بود که به صورت چوب و تخته‌هایی درست کرده بودند و شمع را در زیر آن قرار داده به سوگواری می‌پرداختند، اما بعد از دوره درویش علی اصغر به جای شمع از چراغ نفتی استفاده می‌کردند. (ابراهیم متولی، متولی کنونی امامزاده) با گذشت زمان و با توجه به شناخت بیش‌تر نسبت به امامزاده و حضور گروه‌هایی از روستاهای اطراف، شکل امامزاده به صورت بنای گلی در ابعاد خیلی کوچک تبدیل شد و سپس استاد اشرف نجار باشی در سال ۱۲۴۰ شمسی دودر چوبی منقوش به آیات قرآن برای امامزاده ساخت که قبل از انقلاب به سرقت رفت و در کوچه‌ترا که در ضریح امامزاده بود به خارج کشور بردند، اما در بزرگ‌ترا که در ورودی بود، کشف کردند و هم اکنون نیز در موزه نگه‌داری می‌شود که قرار است بعد از بازسازی امامزاده به جای اولیه خودش باز گردانده شود (به نقل از نصرالله رمضان پور، هیأت امنای امامزاده). با توجه به حضور گسترده مردم و رجوع زائران و گردشگران از شهرها و روستاهای اطراف به این امامزاده، هیأت امنای سال‌های قبل از انقلاب بنای گلی را به بنای آجری تبدیل کردند و تا این زمان امامزاده فاقد گنبد بود و در سال ۱۳۶۳ آقای حاج عباس قنبرزاده با همکاری مردم، اولین گنبد را بنا کرد و آخرین ضریح امامزاده در سال ۱۳۷۶ توسط هیأت امنای محل ساخته، جای‌گذاری شد و این بنای آجری تا سال ۱۳۸۹ وجود داشت اما به علت انبوه زائران و حضور مردم در مراسم ملی و مذهبی و کمبود فضای آستانه جهت انجام مراسم و زیارت با مجوز اداره حج و اوقاف جناب آقای سهرابی، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور آقای ابراهیمی کل امامزاده بجز بقعه را تخریب کردند و با مساحت ۷۰۰ متر در حال بازسازی

امامزاده هستند و معمار آن نیز آقای مهندس عابدی از مشهد مقدس می باشد که با توجه به خوابی که درباره امامزاده عباس دیده است معماری آن را برعهده گرفته است (به نقل از نصرالله رمضان پور، هیأت امنای امامزاده).

نقش امامزاده عباس بن موسی کاظم (ع) در گسترش مراسم تشیع

امامزاده عباس پسر امام موسی کاظم (ع)، از اقطاب فرهنگی و دینی شهرستان بابل است و در طول سفرهای نوروزی صدها هزار زائر و گردشگر از استان مازندران (نکا، بهشهر، آمل، قائمشهر، سوادکوه)، استان گلستان (گرگان، علی آباد) و همچنین از محل مشهد مقدس امامزاده عباس به این حرم مطهر سفر می کنند. این زیارتگاه محل نذر و نیاز عموم است. که به طور شبانه روزی از روزگار گذشته تاکنون دارای زوار زیادی از سراسر کشور به ویژه از شهرها و مناطق همجوار و حتی استان های دیگر بوده است. حجت الاسلام حاج آقا علی تبار گفتند: امامزاده عباس برادر امام رضا (ع) است و می تواند به عنوان اصلی ترین کانون گردشگری مذهبی استان تبدیل شود. با توجه به این که این امامزاده مستنداً برادر امام رضا (ع) است، پیشنهاد می شود که امامزاده عباس را به عنوان اولین حرم اهل بیت (ع) در استان معرفی کنند و این امامزاده می تواند نقش به سزایی در زمینه گردشگری مذهبی استان داشته باشد، به شرطی که امکانات رفاهی و تفریحی در کنار آن فراهم شود. برخی از مراسم دینی و همچنین موقعیت های گردشگری امامزاده و برخی از مناطق همجوار آن:

الف- عزاداری ماه محرم و رمضان، شب احیا:

در مرقد مطهر امامزاده عباس بن موسی (ع) سالانه به مناسبت ماه محرم، مراسم سوگواری از سوی ساکنان محل، مردمان روستاهای اطراف همچون گلوگاه، پوستکلا، ارکاء، رستمکلا، تشون و غیره و همچنین گروه هایی از شهرهای همجوار (نکا، آمل، اسلام شهر بابل) و از استان گلستان برگزار می شود. در ماه محرم بعد از برگزاری مراسم به هنگام ظهر همه گروه ها و دسته های عزاداری که به این امامزاده می رسند همچون سینه زنان استان زنجان، به مراسم سینه زنی می پردازند و فضای روحانی و دینی زیبایی در آستانه برقرار می شود و بعد از انجام این مراسم همه مهمانان و عزاداران به صرف ناهار محلی (شیر برنج که از شیر و برنج نذری اهالی محل و محلات اطراف تهیه می شود) می پردازند. باید

گفت که بسیاری از شیعیان شمال و شرق کشور با توجه به برگزاری چنین مراسم عزاداری و همچنین دلبستگی به این امامزاده به این مکان مراجعه می‌نمایند و برای آنکه مردمان این منطقه به علت مهاجرت شغلی به شهرهای دیگر رفته‌اند و شیعیان شهرهای دیگر را به کرامات عباس بن موسی (ع) و مشاهده سنت‌های متنوع عزاداری تشویق و ترغیب نموده‌اند، از شهرهای دیگر به این امامزاده رجوع می‌کنند. نوع مراسم در ابتدا به صورت سینه‌زنی و حرکت‌های دسته روی و گروهی بوده است اما این نوع عزاداری به مرور زمان به کرب زنی^۱ و امروزه نیز زنجیرزنی و به همراه مراسم تعزیه خوانی تبدیل شد. بسیاری از شیعیان شهرهای دیگر همچون بهشهر، نکا، آمل، گرگان، تهران و مشهد برای مشاهده مراسم عزاداران دسته کرب زنان که به شکل منظم برگزار می‌شد به این امامزاده رجوع می‌کردند؛ اما متأسفانه، امروزه عزاداری سنتی و قدیمی همچون سینه زنی و کرب زنی جای خود را بیش‌تر به طبل زنی و زنجیرزنی داده است. از دیگر مراسم دینی که در این امامزاده برگزار می‌شود و موجب جذب شیعیان شهرهای اطراف می‌شود، مراسم ماه مبارک رمضان است که مردم منطقه با حضور نمایندگان مجلس شورای اسلامی و همچنین بزرگان شهر در این ماه به عزاداری و همچنین دادن افطارهای نذری و برگزاری مراسم شب احیا می‌پردازند و با پایان یافتن این ماه در روز عید فطر با حضور گروه‌های مختلف مردم این روستا و روستاهای اطراف نماز عید فطر برگزار می‌شود (به نقل از آقای حسین غلامی فیروزجانی).

ب- مراسم مذهبی و ملی:

از مراسم دینی دیگر که در این مکان مبارک برگزار می‌شود، جشن‌های دینی همچون عید مبعث، عید غدیر و نیمه شعبان است که مراسم باشکوهی است و با حضور شیعیان شهرها و روستاهای اطراف برگزار می‌شود. از مراسم ملی که برگزار می‌شود جشن‌های پیروزی انقلاب اسلامی، ایام نوروز (که در روز اول عید، ساکنان محل و روستاهای اطراف سال نورا با زیارت امامزاده عباس و توسل به آن امامزاده مطهر شروع می‌کنند) از مراسم

۱. کرب زنی: مراسمی بود که دسته‌های عزاداری در آن چوب‌های دایره‌ای را به دو دست خود بسته و آن‌ها را به هم می‌زدند.

دیگر برگزاری بزرگداشت شهیدان رجایی و باهنر است که با حضور نمایندگان مجلس شورای اسلامی برگزار می‌شود.

ج- روضه خوانی زنان:

از دیگر مراسمی که در این امامزاده برگزار می‌شود، روضه خوانی زنان شهرها و روستاهای اطراف است که با توجه به نذر و عهده‌ای که با عباس بن موسی کاظم (ع) دارند و همچنین با دیدن کرامات این امامزاده در خواب، به این مکان آمده، با برپایی مراسمی به عزاداری می‌پردازند. این گونه مراسم ملی و مذهبی و چگونگی برپایی و برگزاری آن موجب رشد تشیع در بین شیعیان شهرهای اطراف استان مازندران می‌شود و همچنین موجب اتحاد بیش تر ساکنان محل و دیگر گروه‌های شیعی منطقه می‌باشد.

اما از لحاظ گردشگری وجود این امامزاده در این منطقه جغرافیایی استان، موجب جذب و گسترش گردشگری شده است، و علت اصلی جذب گردشگری وجود این آستانه است که در کنار موقعیت‌های گردشگری دیگر شرایط را برای گسترش گردشگری افزوده است. این آستانه مبارکه در بین درختان تنومند و زیبا قرار دارد، از یک طرف به آب‌بندان‌های زیبا و پرآبی که محل ماهیگیری است، محدود است و از طرف دیگر به کوه‌های سرسبز، زیبا و گاه پوشیده از برف گلیران و حاج شیخ موسی که در آن گیاهان دارویی زیادی نیز به دست می‌آید. از دیگر موقعیت‌های گردشگری چشمه آب گرم آرزو است که در روستای خلیل کلا واقع است و برای درمان بیماری‌های پوستی و عضلانی بسیار مناسب است و اطراف آن را درختان سرسبز پوشانده است. صنایع دستی همچون ساخت قاشق و بشقاب‌های چوبی، جاجیم‌بافی نیز در این منطقه فراوان است و وجود این امامزاده و حضور شیعیان شهرهای دیگر با حمایت مسئولان استان و شهرستان به رونق این صنعت کمک شایانی خواهد کرد (به نقل از نصرالله رمضان پور، هیأت امنای امامزاده).

موانع پیش روی روستای امامزاده عباس در جذب گردشگر

از جمله مشکلاتی که پیش روی این آستانه و روستاهای اطراف وجود دارد و مانع جذب گردشگر می‌شود، می‌توان به صورت خلاصه به عوامل زیر اشاره کرد:

۱- عدم اطلاع رسانی مناسب از وجود این امامزاده و کرامات آن در سطح کشوری؛

- ۲- کمبود امکانات رفاهی و بهداشتی در آستانه مبارکه و روستاهای اطراف. (عدم گازرسانی، نبود سرویس‌های بهداشتی مناسب، نبود مهمانسرا برای اسکان زائران و گردشگران)؛
- ۳- نبود راه‌های ارتباطی مناسب از شهر و روستاهای اطراف متصل به امامزاده؛
- ۴- نبود فضای باز مناسب در امامزاده جهت برگزاری مراسم مختلف دینی؛
- ۵- نبود نمایشگاه دائمی و بازارچه‌های مناسب در روستای امامزاده عباس بن موسی کاظم (ع) برای معرفی صنایع دستی و آداب و رسوم مردم آن به زائران و گردشگران؛
- ۶- نبود کتابچه‌ای جهت معرفی عباس بن موسی کاظم (ع) برای اهالی روستا و همچنین سایر زائران و گردشگران؛
- ۷- نبود روشنایی‌های مناسب در آستانه و نیز در راه‌های ارتباطی متصل به امامزاده؛

راهکارها و پیشنهادها برای رفع مشکلات

با توجه به مشکلات مذکور تدابیری نیز برای حل مشکلات و بهبود شرایط آستانه می‌توان اندیشید. با توجه به قداستی که آن امامزاده همام دارد، مسئولان باید نگاه ویژه‌ای به پیشرفت آن مکان داشته باشند چرا که این امامزاده پایگاه مذهبی و فرهنگی مهم بخش بندپی شرقی نیز محسوب می‌شود. در اینجا به برخی از این راهکارهای پیشنهادی اشاره می‌شود:

- ۱- تهیه کتابچه‌ای از زندگی‌نامه عباس بن موسی کاظم (ع)، موقعیت جغرافیایی روستای امامزاده عباس و روستاهای اطراف و معرفی صنایع دستی، مناطق گردشگری و انتشار آن در سطح استان و کشور.
- ۲- حمایت و کمک‌های مالی بیش‌تر دولت جهت بسترسازی و تهیه امکانات رفاهی - عمرانی و پیشرفت فیزیکی امامزاده که هم اکنون نیز با کمک‌های مردمی در حال بازسازی است.
- ۳- توجه بیش‌تر نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی به این امامزاده برای گازرسانی و بهبود راه‌های ارتباطی متصل به امامزاده.
- ۴- حمایت بیش‌تر اداره اوقاف استان از این امامزاده.
- ۵- احداث مهمانسرا، رستوران، بازارچه در روستای امامزاده عباس و برپایی نمایشگاه دائمی در آنجا و روستاهای اطراف.

- ۶- توجه بیش تر ساکنان روستای امامزاده عباس به زایران و کمک در جهت ایجاد رفاه حال آنان.
- ۷- ایجاد فضاهای گردشگری در اطراف آب بندهای مجاور امامزاده.
- ۸- بازسازی چشمه آب گرم و گسترش فضا و قرار دادن امکانات رفاهی و مهمانسرا در اطراف آن.
- ۹- برقراری اتحاد و همکاری بیش تر بین ساکنان روستاهای اطراف جهت پیشبرد فیزیکی آستانه.
- ۱۰- معرفی امامزاده عباس بن موسی کاظم (ع) به عنوان اولین حرم اهل بیت (ع) در استان.

نتیجه

پس از مهاجرت علویان و سادات به طبرستان، به دلیل تأثیرهای شگرفی که آنان در بین مردم علوی دوست منطقه برجا گذاشته بودند، به تدریج، جایگاه ژئوپلیتیکی شیعه در این منطقه ارتقا یافت. امامزاده‌ها و علویان نقش عمده‌ای در قیام‌های مردم برای سرنگونی امویان و عباسیان و ایجاد حکومت الهی ایفا می‌کردند. هدف اصلی این نوشتار تبیین تأثیرات حضور این امامزاده‌ها در يك منطقه، با محوریت امامزاده عباس بن موسی کاظم (ع) بر گسترش مذهب تشیع و همچنین رشد صنعت گردشگردینی بود، با توجه به بررسی مشکلات پیش روی امامزاده که مانع پیشرفت آن است. مناطق شمالی کشور می‌توانند با بالا بردن ظرفیت‌های اقتصادی، افزایش امکانات رفاهی - عمرانی، تأسیس مدارس و مراکز علمی مذهبی و با تشکیلات اداری قوی جهت گسترش تشیع بین شیعیان و رشد گردشگری در استان نقش به‌سزایی داشته باشند.

منابع و مأخذ

- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱ش)، *الکامل فی التاریخ*، ترجمه عباس خلیلی، ابوالقاسم حالت، تهران، مؤسسه مطبوعات علمی.
- ابن حزم اندلسی، ابوعلی (۱۴۱۸ق)، *جمهرة أنساب العرب*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۹۳۸م)، *صورة الارض*، بیروت، دار صادر.
- ابن خیاط، خلیفه (۱۴۱۵ق)، *تاریخ خلیفه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

- ابن شهر آشوب مازندرانی، ابوعبدالله (۱۳۷۹ق)، المناقب، قم، علامه.
- ابن طقطقی (۱۴۱۸ق)، الاصلی فی انساب الطالبیین، قم، مکتبه المرعشی بقم المقدسه.
- ابن عنبه، جلال الدین احمد (۱۴۱۷ق)، عمدة الطالب فی أنساب آل أبی طالب، قم، انصاریان.
- اسحاق بن الحسین (۱۴۰۸ق)، آکام المرجان فی ذکر المدائن المشهورة فی کل مکان، بیروت، عالم الكتب.
- اسکافی، محمد بن همام، (۱۴۲۲ق)، منتخب الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار (ع)، قم، دلیل ما.
- اصفهانی، ابوالفرج (۱۳۳۹ش)، مقاتل الطالبیین، ترجمه جواد فاضل، تهران، کتابفروشی علی اکبر علمی.
- العلوی العمری، نجم الدین ابی الحسن (ابن صوفی) (۱۰۴۹ق)، المعجذ فی انساب الطالبیین، تعلیقات احمد مهدوی دامغانی، قم، نشر مکتبه آیت الله مرعشی، چاپ اول.
- المروزی الأزرقانی، سید عزیزالدین ابی طالب (۱۴۰۹ق)، الفخری فی انساب الطالبیین، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- الیمانی موسوی، محمد الکاظم (۱۴۱۹ق)، النفحة العنبرية فی انساب البرية، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- انصاری دمشقی، شمس الدین محمد بن ابی طالب (۱۳۸۲ش)، نخبة الدهر فی عجائب البر والبحر، ترجمه دکتر سید حمید طیبیان، تهران، انتشارات اساطیر.
- بخاری، ابونصر (۱۳۸۱ق)، سرالسلسلة العلوية، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، نجف، منشورات مکتبه حیدریه.
- براقی، حسن (بی تا)، تاریخ کوفه، بیروت، دارصادر.
- برقی، محدث جلیل احمد بن خالد (۱۳۲۷ش)، المحاسن، تهران، نشر رنگین.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷ش)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره.
- _____ (۱۴۱۷ق)، أنساب الأشراف، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله (۱۳۷۵ش)، جغرافیای حافظ ابرو، تهران، میراث مکتوب، چاپ اول.
- حرّ عاملی، شیخ محمد بن الحسن (بی تا)، وسائل الشیعه، چاپ بیروت.
- حرّ، سید حسین (۱۳۸۳ش)، امام رضا (ع) و ایران، قم، نشر معارف، چاپ اول.

نقش امامزادگان در گسترش مکتب تشیع / ۳۶۹

- حزالدين، علامه محمد (۱۳۹۱ق)، *مراقد المعارف*، نجف، انتشارات سعيد بن جبير.
- حموی، ابو عبد الله ياقوت بن عبد الله (۱۹۹۵م)، *معجم البلدان*، بيروت، دار صادر.
- حمیری، محمد بن عبد المنعم (۱۹۸۴م)، *الروض المعطار فی خبر الاقطار*، بيروت، مکتبه لبنان.
- حمیری کلاعی، ابوالربیع (بی تا)، *الاكتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم والثلاثة الخلفاء*، بيروت، دارالکتب العلمیة.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۰۹ق)، *تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام*، بيروت، دارالكتاب العربی.
- _____ (۱۴۰۹ق)، *تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والأعلام*، به کوشش عمر عبد السلام تدمری، بيروت، دارالكتاب العربی.
- رازی، امام فخر (۱۴۰۹ق)، *الشجرة المباركة*، قم، انتشارات سید الشهداء.
- _____ (۱۴۱۹ق)، *الشجرة المباركة فی أنساب الطالبیة*، قم، مکتبه آية الله المرعشی النجفی.
- روضاتی، سید محمد علی (۱۳۳۵ش)، *اصفهان*، انتشارات جاوید، چاپ اول.
- زین العابدین، عیدالله بن الحسین (۱۴۲۲ق)، *المعقبین*، تحقیق محمد کاظم، قم، مکتبه آیت الله مرعشی.
- شامی، جمال الدین یوسف بن حاتم (۱۴۲۰ق)، *الدر النظیم فی مناقب الأئمة الیهامیم*، قم، جامعه مدرّسین.
- شبستری، عبدالحسین (بی تا)، *احسن التراجیم*، قم.
- شوشتری، محمد تقی (۱۳۷۵ش)، *قاموس الرجال*، قم، جامعه مدرّسین.
- شیخ صدوق (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران، نشر جهان.
- شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲ش)، *الکافی*، تهران، اسلامیة.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، قم، آل البيت.
- _____ (۱۴۲۲ق)، *تاج الموالید*، بيروت، دارالقار.
- طبری، عماد الدین حسن بن علی (۱۳۷۹ش)، *مناقب الطاهرین*، ترجمه حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الامم والملوک*، مصحح محمد ابوالفضل ابراهیم،

- بیروت، روائع التراث العربی، چاپ دوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، رجال شیخ طوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم.
- عبیدلی، ابوالحسن محمد شرف (۱۴۱۳ق)، تهذیب الانساب و نهاية الأعقاب، تحقیق شیخ محمد کاظم محمودی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- عطاردی، عزیز الله (بی تا)، مسند الإمام الکاظم أبی الحسن موسی بن جعفر (ع)، مشهد، آستان قدس رضوی.
- قدیانی، عباس (۱۳۸۷ش)، فرهنگ جامع تاریخ ایران، تهران، انتشارات آرون، چاپ ششم.
- قرشی، باقر شریف (۱۴۱۳ق)، حیاة الإمام موسی بن جعفر علیه السلام، بیروت، دارالبلاغه.
- قرشی، باقر شریف (۱۳۸۰ش)، حیاة الإمام الرضا علیه السلام، قم، نشر سعید بن جبیر.
- _____ (۱۴۱۳ق)، حیاة الإمام موسی بن جعفر (ع)، بیروت، دارالبلاغه.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۳ش)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا، تهران، امیرکبیر.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۶ش)، سفینه البحار، تهران، چاپ اسوه.
- قهپانی، مولی عنایت الله علی (۱۳۸۴ش)، مجمع الرجال، اصفهان.
- کاشفی سبزواری، ملا حسین (۱۳۸۲ش)، روضة الشهداء، قم، نوید اسلام.
- کیا، گیلانی، عبدالرحمن (۱۴۰۹ق)، سراج الانساب، تعلیقات سید مهدی رجائی، قم، منشورات آیت الله مرعشی، چاپ اول.
- مامقانی، عبدالله (۱۳۴۱ش)، تنقیح المقال فی علم الرجال، چاپ نجف.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳ش)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، اسلامیه.
- مرعشی، سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین (۱۳۴۵ش)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، مصحح محمد حسین تسبیحی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی شرق.
- مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۶ش)، تجارب الامم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، نشر توس.
- معروف الحسنی، هاشم (۱۳۸۲ق)، سیرة الأئمة الاثنی عشر علیهم السلام، نجف، المكتبة الحیدریه.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱ش)، احسن التقاسیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

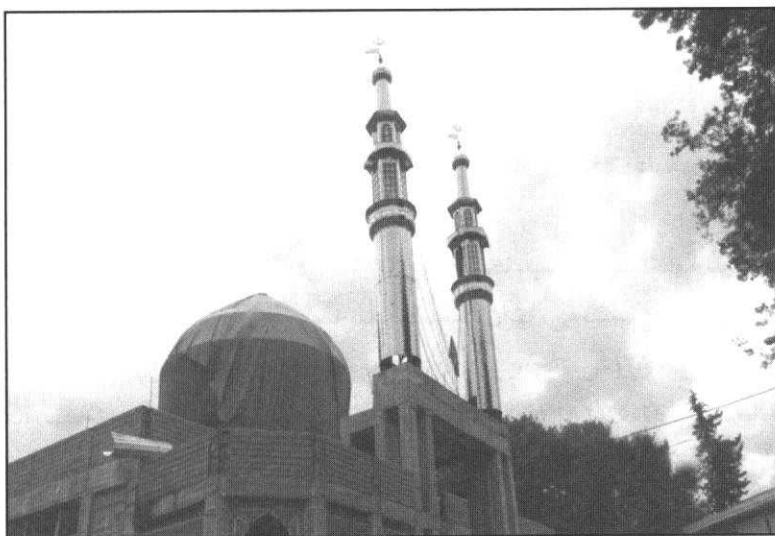
نقش امامزادگان در گسترش مکتب تشیع / ۳۷۱

- نجفی، محمد مهدی (۱۴۰۹ق)، *الجامع الرواة واصحاب الرضا*، قم، مؤتمر العالی الثانی لامام الرضا.
- نوری، محدث (۱۴۰۷ق)، *مستدرک الوسائل*، قم، نشر آل البيت.
- همدانی، ابن الفقیه (۱۳۴۹ش)، *مختصر البلدان*، ترجمه ح. مسعود، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۴۲۲ق)، *البلدان*، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

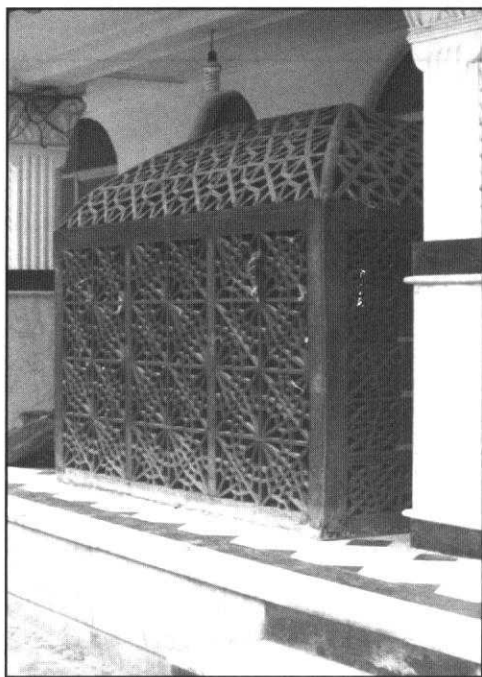
عکس‌های بخش ضمایم توسط نگارنده به تاریخ ۹۲/۵/۹ گرفته شد.



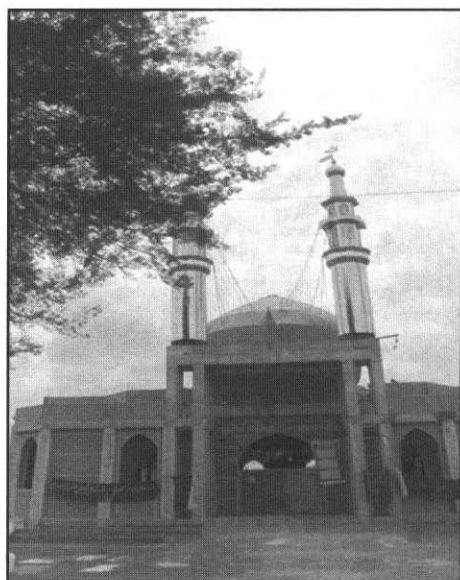
- ضریح مبارک امامزاده عباس بن موسی کاظم (ع)



- آستانه امامزاده عباس بن موسی کاظم (ع) در حال بازسازی.



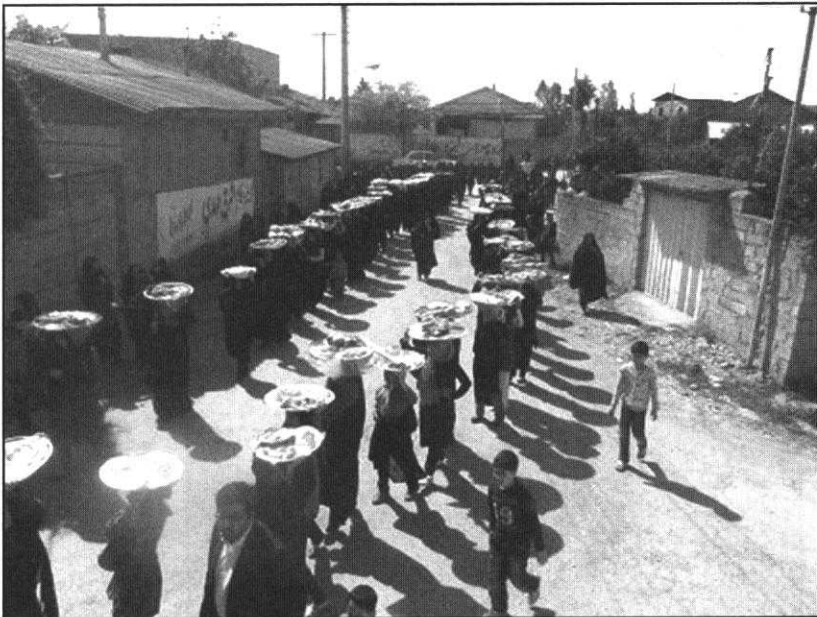
- ضریح چوبی و قدیمی امامزاده عباس بن موسی کاظم (ع)



- آستانه امامزاده عباس بن موسی کاظم (ع) در حال بازسازی



- جاده نامناسب و جنگل‌های زیبای منتهی به امامزاده عباس بن موسی کاظم (ع)



- مراسم روضه خوانی زنان در راه ورود به آستانه امامزاده عباس بن موسی کاظم (ع)